

بازتاب گفتمان‌های ایدئولوژیک و ضد ایدئولوژیک در رمان خم رودخانه

اثر وی. اس. ناپیال

هدا شب‌رنگ^۱

چکیده

کلیدواژه‌های هژمونی و ضد هژمونی را نخستین بار آنتونیو گرامشی مطرح نمود تا نحوه‌ی کارکرد اعمال قدرت نرم توسط نظام حاکم را تشریح کند. در تعریف گرامشی، هژمونی به گفتمان‌هایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها ارزش‌های نظام حاکم گنجانده شده و به شکل نرم خواستار کسب رضایت آحاد جامعه است. در مقابل، ضد هژمونی به معنای گفتمان‌های متضادی است که در مقابل گفتمان‌های هژمونیک می‌ایستد و آرمان‌های افراد خارج از دایره قدرت را بیان می‌کند. رمان خم رودخانه اثر ناپیال درحالی‌که هژمونی غالب در دوران استعمار و پسااستعمار را ترسیم می‌کند، هم‌زمان از طریق شخصیت اصلی داستان به افشاگری ارزش‌های حاکم و نهایتاً تولید ضد هژمونی می‌پردازد. با این پیش‌فرض، پژوهش پیش رو خوانشی از این رمان بر اساس مفاهیم هژمونی و ضد هژمونی است. بر اساس نظریه جامعه‌شناسی آلتوسری، نظام‌های حاکم در اعمال ایدئولوژی خود در ساختن شهروندان مطیع و منعطف، به دو روش ابزارهای ایدئولوژیک حکومتی (آی اس ای) و ابزارهای سرکوبگر حکومتی (آر اس ای) متوسل می‌شوند. استدلال پژوهش پیش رو بر این است که یکی از مهم‌ترین اهداف آثار پسااستعماری، افشاگری کارکردهای سرکوب و ایدئولوژیک در دوران استعماری و پسااستعماری است تا آثار برجا مانده از فرهنگ استعمار را بزدايد و مخاطبان را نسبت به این کارکردها آگاه سازد. نوآوری پژوهش حاضر در خوانشی متفاوت است که به‌صورت ساختاری نشان می‌دهد که چگونه آثار پسااستعماری می‌توانند به افشای سازوکارهای استعماری بپردازند و به مقابله‌ای فرهنگی تبدیل شوند.

واژگان کلیدی: هژمونی، ضد هژمونی، ایدئولوژیک، ضد ایدئولوژیک، ابزارهای ایدئولوژیک حکومتی

(آی اس ای)، ابزارهای سرکوبگر حکومتی (آر اس ای)، ناپیال

مقدمه

قدرت‌های مسلط به منظور استمرار سیطره و تضمین بقای خود، هم به روش‌های مستقیم سرکوب و مجازات، و هم به روش‌های غیر مستقیم و هژمونیک متوسل می‌شوند. هرچه این روش‌ها غیر مستقیم‌تر و طبیعی‌تر اعمال شوند، احتمال موفقیت بیشتری داشته، کم هزینه‌تر بوده، افراد مطیع بیشتری ساخته، و مهم‌تر از همه، ایدئولوژی مد نظر با رضایت مردم حاصل می‌شود. این اظهارات آنتونیو گرامشی^۱، فیلسوف بزرگ ایتالیایی، است که عمده شهرت او در احیا و بازخوانی فلسفه مارکسیستی است. این دسته از نظرات گرامشی در تفکر لویی آلتوسر^۲ به تکامل می‌رسد. آلتوسر را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین متفکران مارکسیستی نیمه دوم قرن بیستم به شمار آورد. وی که سال‌ها در دانشگاه کول نرمال سوپریور^۳ در پاریس به تحصیل و تدریس فلسفه اشتغال داشت، خالق آثار تأثیرگذاری همچون برای مارکس^۴ و خوانش سرمایه^۵ است. در این آثار و دیگر نوشته‌های خود، آلتوسر به مقابله با تهدیداتی می‌پردازد که، در نظر او، پایه‌های نظری مارکسیسم را مورد هدف قرار داده است. این تهدیدات دربرگیرنده تأثیر تجربه‌گرایی بر نظریه مارکسیسم، گرایش‌ات اومانستی و سوسیالیسم اصلاح‌گرایی در گروه‌های کمونیستی اروپایی و مسئله شخصیت و ایدئولوژی می‌باشد.

به علت ماهیت سیاسی نوشته‌های وی. اس. ناپیال، کارکردهای فرهنگی و ایدئولوژیک مد نظر آلتوسر را می‌توان در بسیاری از آثار وی جستجو نمود. ناپیال که امروزه "بزرگترین نویسنده در قید حیات نثر انگلیسی" محسوب می‌شود، جوایز متعددی همچون بوکر ۱۹۹۱ و نوبل ادبیات ۲۰۰۱ را به خود اختصاص داده است. همچنین در رده‌بندی صد رمان برتر انتشارات کتابخانه مدرن، رمان‌های او با عناوین خانهای برای آقای بیسواس^۶ و خم رودخانه^۷، به ترتیب رتبه‌های هفتاد و دو و هشتاد و سه را کسب کرده‌اند. ناپیال عمده شهرت خود را مدیون توصیفات دقیق و موشکافانه‌ای است که از جهان سوم ارائه می‌دهد: توصیفات از سرزمین مادری خود، ترینیداد و

1. Antonio Gramsci
2. Louis Althusser
3. École Normale Supérieure
4. *For Marx*
5. *Reading Capital*
6. *A House for Mr Biswas*
7. *A Bend in the River*

توباگو، هندوستان، کشور آبا و اجدادیش، و کشورهای پسااستعماری آفریقایی، آسیایی و آمریکای جنوبی. وی در عمده آثار خود به موضوعاتی چون از خود بیگانگی فرهنگی، بار سنگین گذشته بر دوش زمان حال، عدم تعلق به یک محیط خاص و منازعه شرق و غرب می‌پردازد. شهرت نایپال بیشتر مرهون نگاه فراملیتی و فرا قومی وی به موضوع استعمار و به چالش کشاندن و گاهی به سخره گرفتن کوته‌نظری‌ها، حقارت‌ها، و هول و هراس جامعه استعماری است (Zare'ie and Ahmadzadeh 61). هدف این مقاله این است که نشان دهد چگونه نظام حاکم در رمان خم رودخانه با بکارگیری ابزارهای ایدئولوژیک حکومتی گوناگون به روش غیرمستقیم ایدئولوژی مورد نیاز حکومت را تولید و باز تولید می‌کند تا شهروندانی مطیع و فرمانبردار بپروراند. به عبارت دیگر، ایدئولوژی نهادینه شده توسط نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، کلیسا، دانشگاه و غیره نیاز به ابزارهای سرکوب را کاهش می‌دهد. اما در نهایت با وجود تمامی تمهیداتی که صورت پذیرفته‌اند تا مردم پسااستعمار را همچنان در یوغ بردگی نگه دارند، از آنجایی که روش‌های تولید و باز تولید ایدئولوژی حاکم در مواجهه با تمامی پدیده‌ها یکسان عمل می‌کنند و قادر به برطرف کردن ضعف‌های خود مطابق نیازهای جامعه نیستند، در گذر زمان کارایی و مشروعیت خود را از دست می‌دهند. این جاست که مردم به ماهیت ایدئولوژیک حکومت و عدم مشروعیت آن پی می‌برند و به تولید ضد ایدئولوژی برای مقابله و سرنگونی آن دست می‌زنند.

پیشینه تحقیق

برغم وجود پژوهش‌های متعددی در زمینه آثار نایپال، لیکن هیچ‌کدام از آن‌ها به گفتمان‌های دو گانه ایدئولوژیک و ضد ایدئولوژیک از منظر آلتوسر نپرداخته‌اند. سلوین آر. کوچو^۱ معتقد است روایت‌های استعماری و پسااستعماری نایپال متمرکز بر تبعیض نژادی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه است. وی در کتاب وی. اس. نایپال: خوانشی مادی‌گرا^۲، به این موضوع می‌پردازد که چون نایپال خود زاده تقابل فرهنگ‌ها در فضای مغلوب استعماری و پسااستعماری است، نگاهی فاقد احترام به هندیان و رنگین‌پوستان آفریقایی دارد (۱۳۷). منتقد آمریکایی، پل ثرو^۳، نگاه نافذ و بی‌نظیر نایپال را می‌ستاید و معتقد است او با

1. Selwyn R. Cudju
2. V. S. Naipaul: A Materialist Reading
3. Paul Theroux

ژرفنگری به مسایل اجتماعی و فرهنگی پیرامون خود پرداخته است. او همچنین با جزئیات به دغدغه‌های ناپیال همچون خلاقیت فردی، خیال، اسطوره‌سازی، بی‌خانمانی، وابستگی و مهاجرت می‌پردازد ("Memories of V. S. Naipaul"). بروس کینگ^۱، دوگانگی موجود در آثار ناپیال را نقص کار او قلمداد نمی‌کند بلکه معتقد است این تضاد موجب می‌شود که خواننده به بررسی ایده‌های دریافتی‌اش بپردازد و آن‌ها مورد بازبینی و خوانش مجدد قرار دهد (۷۳).

سومان گوپتا^۲ بر این باور است که ناپیال در روایت‌هایش فهمی ضد انقلابی و موضعی محافظه‌کارانه به مبحث استعمار داشته است (۶). میناکشی موکرجی^۳ معتقد است ناپیال تصویری مبهم و به دور از واقعیت‌های موجود در هندوستان و آفریقا برای خواننده ترسیم می‌کند (۶۷). جان تیمه^۴ در مقاله خود می‌کوشد نشان دهد که چگونه ناپیال به دنبال ایجاد مرکز ثقلی در فضای مغلوب پسااستعماری است ("Searching for a Centre")^۵. سو توماس^۶ در فصلی از کتاب متفکرین هند غربی در بریتانیا^۶ به طور مفصل به شکل‌گیری هویت دوگانه ناپیال و بازتولید آن در آثارش می‌پردازد (۲۲۸). طیبه یموت نیز در مقاله‌ای با عنوان "آستانه مهاجرت در تخیل ناپیال" به بررسی هر چه بیشتر رابطه تخیلی افراد با شرایط واقعی وجودیشان می‌پردازد. موضوعاتی همانند هویت، شخصیت، از خود بیگانگی، غربت، نوستالژی و بسیاری دیگر نزد مهاجر به عناصری تخیل‌ساز و تصویرپرداز تبدیل می‌شوند که در شکل‌گیری آثار ادبی و هنری آن‌ها به طور عمیق تأثیرگذار هستند (۱۶۲).

آلتوسر و بقای ایدئولوژی

در مقام یکی از تأثیرگذارترین متفکران مارکسیستی نیمه دوم قرن بیستم، لویی آلتوسر به دنبال تحلیل ایدئولوژی‌هایی است که کاپیتالیسم خود را توسط آن‌ها تثبیت می‌نماید و سیطره قدرت و تفکر خود را در شهروندانش نهادینه می‌کند. بنابراین بر خلاف مارکسیسم سنتی که در آن ایدئولوژی از ارزش و جایگاهی ثانویه برخوردار است،

1. Bruce King
2. Suman Gupta
3. Meenakshi Mukherjee
4. John Thieme
5. Sue Thomas
6. *West Indian Intellectuals in Britain*

در تفکر نئو مارکسیستی آلتوسری، ایدئولوژی تبدیل به قطب و نقطه ثقل می‌شود. با بهره‌گیری از ایده‌های ساختارگرایانه کلود لوی استراوس^۱ و روان‌کاوی ژاک لاکان^۲ و تلفیق آن‌ها با مارکسیسم سنتی، آلتوسر خواستار بررسی روش‌های ایدئولوژیک مختلفی است که سیستم‌ها و نهادهای اجتماعی با توسل به آن‌ها، با ظرافت هرچه تمام‌تر، قالب ذهنی شهروندان را فرم می‌دهند، رضایت آن‌ها را جلب می‌کنند، و به نوبه خود به باز تولید سیستم خود می‌پردازند (Leitch et al. 1333).

آلتوسر همواره دو سوال اساسی را در ذهن می‌پروراند که این دو، مبنای تفکر مارکسیستی او را شکل می‌دهند: اول اینکه چگونه یک جامعه با باز تولید روابط خود، در گذر زمان به ثبات می‌رسد و دوم اینکه چه شرایطی ایجاد یک انقلاب اجتماعی را ممکن می‌سازد. آلتوسر به تشریح عملکرد مکانیسم‌های اجتماعی می‌پردازد که با ابزار ایدئولوژیک رضایت عمومی عامه مردم را جلب کرده و آن‌ها را به صورت ناخودآگاه برده و بنده خود می‌کنند. در واقع آلتوسر، ایدئولوژی را امری غیر اختیاری و نشأت گرفته از عوامل ساختاری جامعه می‌داند که راه را بر اراده آزاد اومانیستی می‌بندد (Be-newick and Green 8).

بر اساس نظریه جامعه‌شناسی آلتوسری، نظام‌های حاکم در اعمال ایدئولوژی خود برای ساختن شهروندان مطیع و منعطف، به دو روش ابزارهای ایدئولوژیک حکومتی (آی اس ای)^۳ و ابزارهای سرکوبگر حکومتی (آر اس ای)^۴ متوسل می‌شوند. منظور از آی اس ای‌ها، نهادهای مدنی پیچیده و متنوعی می‌باشد که جایگاه قانونی داشته و از هر جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، از جمله کلیسا، مدرسه، خانواده، دادگاه، احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، رسانه، ورزش و هنر. برخلاف آر اس ای‌ها که شامل دستگاه‌هایی سرکوبگر همچون پلیس، ارتش، دولت، و زندان می‌شود، اقدامات آی اس ای‌ها یکپارچه نیستند، اساساً در حوزه‌های خصوصی‌تر کاربرد دارند و قدرت خود را نه از راه اعمال مستقیم زور و فشار، بلکه از طریق جلب رضایت عمومی به واسطه انجام اقدامات مورد قبول جامعه به دست می‌آورند. به عنوان مثال، مردم اطاعت از مافوق را صرفاً از برخورد مستقیم با دستگاه‌های سرکوبگری همانند ارتش و پلیس فرا نمی‌گیرند، بلکه بالعکس

1. Claude Lévi-Strauss
2. Jacques Lacan
3. ISA (Ideological State Apparatuses)
4. RSA (Repressive State Apparatuses)

آن را عمدتاً به‌طور غیرمستقیم در کلیسا، خانه، مدرسه و یا در تیم‌های ورزشی نهادینه می‌کنند (Leitch et al. 1334).

به‌منظور درک بهتر آی اس ای‌ها، آلتوسر در کتاب خود تحت‌عنوان لنین و فلسفه^۱ این ابزارهای حکومتی را در هشت دسته طبقه‌بندی می‌کند: "مذهبی (کلیساهای مختلف)، آموزشی (انواع مدرسه‌های دولتی و خصوصی)، خانوادگی، حقوقی، سیاسی (از جمله جناح‌های مختلف)، اتحادیه‌های کارگری، ارتباطی (رسانه، رادیو و تلویزیون) و فرهنگی (ادبیات، هنر، ورزش و غیره)" (۱۳۷). هدف غایی این ابزارها تولید و باز تولید ایدئولوژی مورد نیاز حکومت است. آلتوسر ایدئولوژی را گفتمانی می‌نامد که افراد آن را آگاهانه برای خود بر نمی‌گزینند و معقولانه صحت و درستی آن را تأیید نمی‌کنند. بلکه ایدئولوژی را جریانی از گفتمان‌ها، تصویرها و ایده‌هایی می‌داند که دائماً افراد را در بر می‌گیرند، که افراد در درون آن‌ها متولد می‌شوند، با آن‌ها رشد می‌کنند، با آن‌ها زندگی می‌کنند، و با آن‌ها می‌اندیشند و رفتار می‌کنند (Lenin and Philosophy 153). نکته برجسته این جریان ایدئولوژیک در این است که افراد هیچ‌گاه نمی‌توانند از طریق آن به حقیقت زندگی‌شان پی ببرند. به بیان دیگر، اگرچه ایدئولوژی در بر گیرنده مجموعه‌ای از گفتمان‌هایی است که افراد به‌واسطه آن‌ها به شناخت از خود و جامعه می‌رسند، اما در حقیقت امر، این شناخت نوعی کژ فهمی است. این همان نکته‌ای است که آلتوسر با تمرکز بر آن، به تعریف بنیادین خود از ایدئولوژی، یعنی جریان القاگر "رابطه تخیلی افراد با شرایط واقعی وجودیشان"، می‌رسد (693 "Ideology and Ideological State Apparatuses"). وی برای این توهّم دو عامل اصلی بر می‌شمارد: اول اقلیتی با استفاده از "بازنمایی کاذب جهان هستی" قصد تسلط بر اکثریت را دارند تا با این دستاویز بر ذهن و خیال آن‌ها مسلط شده و حکومت کنند. دومین عامل "بیگانگی در تصویرگری از بازنمایی شرایط وجودی انسان‌هاست" (Ibid 694). به عبارت دیگر او معتقد است افراد در رابطه‌ای خیالی با واقعیت به سر می‌برند و "ایدئولوژی رابطه فرد با شرایط واقعی اشخاص را متوهّم می‌سازد" (Essays on Ideology 85). ساداتی و جعفری نیز در جمع‌بندی نظرات آلتوسر بیان می‌کنند که ایدئولوژی مجموعه‌ای از باورهاست که به شکلی ساده در ذهن ما وجود دارند و شرایط وجودی را تولید و باز تولید می‌کنند، اما نکته قابل تأمل این است که طبقه حاکم این باورها را تعیین می‌کنند (۱۹۳).

1. Lenin and Philosophy

روش‌های ابزارهای ایدئولوژیک (آی اس ای) موجود در خم رودخانه

ابزار ایدئولوژیک سیاسی

یکی از آی اس ای‌های تعریف شده آلتوسر، آی اس ای سیاسی است. آی اس ای‌های سیاسی همان نظام‌های سیاسی‌اند که حکومت‌ها برای خود بر می‌گزینند. در این سیستم‌ها ممکن است جناح‌ها و یا تصمیمات مختلفی گنجانده شود تا حس تعلق افراد به نظام سیاسی را افزایش دهد. اینگونه تصمیمات در رمان خم رودخانه نیز به وضوح دیده می‌شود. رئیس‌جمهور دوره پسااستعمار، بر کنگوی تازه استقلال یافته‌ای حکومت می‌کند که ترکیبی از اقوام و قبایل مختلفی چون اعراب، بومیان آفریقایی، هندی‌های ایرانی‌تبار و سایر مهاجرین است. تجربه زندگی ارتشی به وی آموخته است که در صورت اتحاد، این قبایل قدرت زیادی یافته و حتی می‌توانند سیستم حکومتی را سرنگون کنند. از این رو، روش "تفرقه بینداز و حکومت کن" استعمارگران اروپایی را اتخاذ می‌کند تا باعث اختلافات قومی و قبیله‌ای شده و از اتحاد و قدرت یافتن آن‌ها ممانعت به عمل آورد. بنابراین در اقدامی ایدئولوژیک، رئیس‌جمهور با خدعه "ملی‌گرایی" تنها بومیان آفریقایی را شهروند کنگو محسوب می‌کند و تمامی مهاجرین، صرف‌نظر از اینکه چند نسل در این کشور زندگی کرده‌اند را بیگانه و اتباع خارجی می‌شمارد. نتیجه چنین اقدامی مشخص است: سرخوردگی بخش عظیمی از مردم، احساس عدم تعلق به آن کشور و عدم تلاش در جهت بهبود شرایط حتی در صورت امکان، اختلاف و دوگانگی بین ملت و در نهایت بحران هویت برای اشخاصی چون سلیم، ایندار و نذرالدین که همگی چاره کار را در ترک کنگو می‌بینند. پس از اجرای موفقیت‌آمیز این پروژه و مساعد دیدن ذهنیت جامعه، نوبت اجرای شکل رادیکال آن می‌رسد که از آن تحت عنوان "افراط‌گرایی"^۲ یاد شده است (Campbell 395). بر اساس این پروژه، کلیه اموال این گونه اتباع خارجی مصادره شده و به‌منظور کسب رضایت عمومی به شهروندان کنگو اعطا می‌شود. در نتیجه اجرایی شدن این تصمیم، فروشگاه سلیم که در حکم آخرین پیوند او با کنگو است، مصادره شده و به یک شهروند آفریقایی‌تبار واگذار می‌شود. با این تصمیمات، دولت به‌وضوح به مهاجران اعلام جنگ کرده و با توسل به حربه ملی‌گرایی، تحریک حس وطن دوستی و بخشیدن اموال مصادره شده به اهالی کنگو، آن‌ها را با خود در اجرای

1. Nationalism
2. Extremism

طرح‌های ایدئولوژیک آتی هم داستان می‌کند و به جنایات خود تحت لوای خدمت به شهروندان کنگویی سرپوش می‌گذارد.

ابزار ایدئولوژیک آموزشی

روش‌های ایدئولوژیک رئیس‌جمهور در جلب رضایت عامه مردم خلاصه نمی‌شود و وی حساب ویژه‌ای روی جامعه روشنفکری کنگو و نسل جوان دانش‌آموز و دانشجو باز کرده است. این اقدام رئیس‌جمهور، یکی از مهم‌ترین مواردی است که آلتوسر بدان اشاره دارد. طبق نظر آلتوسر، در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری، زوج مدرسه-خانواده جایگزین زوج کلیسا-خانواده به‌عنوان گروه غالب نهادهای ایدئولوژیک شده است. منظور آلتوسر این است که از سن حدوداً چهار تا شانزده سالگی تمامی بچه‌ها در جوامع امروزی سرمایه‌داری به مدت چندین ساعت در طول روز تحت گفتمان‌ها، تکنیک‌ها، و رسوم غالب آن جامعه آموزش می‌بینند. به عبارت دیگر، تمامی بچه‌ها ایدئولوژی‌های غالب را به‌طور مستقیم در قالب اخلاقیات، مذهب، و فلسفه نهادینه می‌کنند (Ferretter 86).

همگام با جوامع امروزی سرمایه‌داری، "مرد بزرگ" نیز از اهمیت مدرسه به خوبی آگاه است و اعتقاد دارد که در پروراندن افراد سودمند برای جامعه مد نظر خود، مدرسه دارای جایگاهی ویژه است. پیرو این خط فکری است که او با صرف هزینه‌های گزاف تبلیغاتی، اقدام به تأسیس مدرسه و دانشگاهی می‌کند که تماماً بر اساس الگوهای غربی بوده و همچنان که سلیم می‌اندیشد، شاگردانی غرب‌زده بی‌توجه به تاریخ و فرهنگ ملی و تهی از استقلال فکری پرورش خواهد داد. طبیعتاً پیاده کردن ایدئولوژی‌های مد نظر حکومت بر چنین جامعه‌ای بسیار سهل‌تر است تا جامعه‌ای که به فرهنگ و سنن خود ایمان دارد و استقلال رأی خود را عزیز می‌شمارد.

دانشگاه تمام اروپایی "مرد بزرگ" به نوعی ادای دین او به هم‌تایان اروپایی‌اش تلقی می‌شود. در سراسر رمان، او هرگز از ابراز محبت و ادای دین نسبت به اروپایی‌ها کوتاهی نمی‌کند و به‌منظور کسب حمایت و رضایت‌شان، بخش مهمی از اقتصاد را به آن‌ها می‌سپارد، چرا که با کمک و پشتیبانی آن‌ها به قدرت رسیده و با کمک‌های نظامی آن‌ها از قبیل هواپیما، تسلیحات نظامی و سربازان مزدور می‌تواند روش‌های سرکوب‌گرایانه خود را اعمال نماید.

این دانشگاه که از آن با نام "دومین" یاد می‌شود، "تقلیدی از یک طرح ایده‌آل است" (Eid 7) چرا که نه تنها فیزیک ساختمان دانشگاه و مصالح به‌کار رفته و الگوی ساخت و ساز آن متکی بر طرح‌های اروپایی است، بلکه روح و سیستم آموزشی آن نیز کاملاً غربی و بدون توجه به تاریخ، سنن و جامعه‌شناسی مردم آفریقا می‌باشد. عکس‌ها و تصاویر بیشماری از این دانشگاه در مجلات اروپایی مورد حمایت دولت جدید به چاپ می‌رسد و رئیس‌جمهور سوار بر موج تبلیغات به دنبال تعبیر رویای خود، یعنی "آفریقای جدید"، است، غافل از این که رویایش می‌تواند تعبیر وارونه‌ای داشته باشد، چرا که دانشگاه با شتاب‌زدگی ساخته شده و مصالح به‌کار رفته در آن با محیط آفریقا سازگاری ندارد و در اولین سال افتتاحش، بخش‌هایی از آن نشست کرده و قابلیت استفاده ندارد. تخریب ساختمان دانشگاه، به‌طور نمادین، نشانه شکست سیستم ایدئولوژیک رئیس‌جمهور در آینده نزدیک است. مکانی که دانشگاه در آنجا ساخته می‌شود بسیار هوشمندانه انتخاب شده است و به لحاظ سمبولیک ارزشمند است، به این علت که رئیس‌جمهور آن را بر روی خرابه‌های آنچه سابقاً حومه اروپایی‌نشین کنگو محسوب می‌شد، بنا می‌کند و این به معنی پایان سلطه اروپایی و استعمارگری و شروع یک عصر جدید برای آفریقای جدید می‌باشد (Nixon 77). اما تمامی این‌ها تنها ظاهر امر است، زیرا رئیس‌جمهور فقط ادامه‌دهنده و توسعه‌دهنده‌ی حکومت استعماری در کسوت و شکل جدیدتری می‌باشد. اقتصاد، کمک نظامی، حمایت از دولت جدید، کمک به تحقق ایدئولوژی آن از طریق نظام آموزشی و بسیاری موارد دیگر هنوز به دست اروپایی‌ها صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، روح استعمار از کالبد رئیس‌جمهور فرمان می‌راند. سلیم معتقد است که پروژه دانشگاه "شیادی" محض است: "نه رئیس‌جمهوری که دستور ساخت‌اش را داد و نه خارجی‌هایی که به‌واسطه ساختن آن ثروتی به جیب زده بودند هیچ اعتقادی به آنچه که می‌ساختند نداشتند" (Naipaul 126). تمامی این برنامه‌ها در راستای طرح‌های ایدئولوژیک رئیس‌جمهور در ساخت چهره جدیدی از آفریقا، ایجاد حس رضایت‌مندی بین مردم، حفظ و گسترش قدرت رئیس‌جمهور و توسعه سلطه اقتصادی متحدان اروپایی وی صورت می‌گرفت.

آی اس ای موفق دیگری که مقدم بر دانشگاه می‌باشد افتتاح مدرسه‌ای است که قرار است شاگردان "مناسبی" برای دانشگاه و نهایتاً برای آینده کشور تربیت کند.

نگاهی به قسمت‌های آخر کتاب، موفقیت این پروژه را تأیید می‌کند، چرا که فردیناند و همکلاسی‌هایش توانسته‌اند به بالاترین پست‌های دولتی نائل شوند. این دبیرستان تازه تأسیس پیش‌شرط ورود به دانشگاه بوده و کاملاً با الگوها و متدهای غربی اداره می‌شود و وظیفه‌اش آماده کردن ذهن دانش‌آموزان جوان برای پذیرا شدن مطالب عمیق‌تر تدریس شده در دانشگاه می‌باشد.

شعار این مدرسه، "همیشه چیزی جدید" (Ibid 44) است، که بایستی بر روی سینه دانش‌آموزان چسبانده شود، هم راستا با ایدئولوژی رئیس‌جمهور و طرح آفریقای جدیدش است. نشانه موفقیت این ایده، حس اهمیت کاذبی است که میان دانش‌آموزان ایجاد می‌کند: "فردیناند در لباس مدرسه‌اش، همانند دوره استعمار، خودش را مهم و پیشرو تصور می‌کرد. در عین حال خودش را مرد مدرن آفریقایی و از این رو شخص مهمی می‌پنداشت" (Ibid 60). اما سلیم با صحبت کردن با او در می‌یابد که فردیناند شخصیت پایداری ندارد: "شخصیت‌اش متغیر شده بود. احساس کردم هیچ چیزی در آن وجود ندارد و فکر دبیرستانی که پر از فردیناندا بود من را عصبی می‌کرد" (Ibid 60). سلیم برای آینده‌ای احساس نگرانی می‌کند که پر از افراد مطیع است که سرنوشت کنگو به دست آن‌هاست.

ابزار ایدئولوژیک ارتباطی

ابزار ایدئولوژیک ارتباطی از جمله دیگر آی اس. ای.‌هایی است که آلتوسر به‌مثابه وسیله‌ای جهت القای ایدئولوژی در جامعه از آن نام می‌برد. این آی اس ای که در اشکال "رسانه، رادیو، تلویزیون و غیره" تبلور می‌یابد، رسالت اشاعه تبلیغات حکومتی و تصویرسازی‌های مثبت از آن را عهده دار است. در سراسر رمان، این دستگاه ایدئولوژیک به کرات توسط رئیس‌جمهور در تصاویر، عکس‌ها و پوسترها، چه در داخل آفریقا و چه در مجلات اروپایی تحت حمایت مالی خود او، مورد استفاده قرار می‌گیرد (King 167). این حضور پر رنگ و همه‌جانبه، نگاه منتقد و تیزبین سلیم را نیز به خود جلب می‌کند: "همه‌جا عکس رئیس‌جمهور از بالا به ما نگاه می‌کرد" (Naipaul 139). این نگاه از بالا تأثیرات ایدئولوژیک خود را نیز به‌همراه دارد. در واقع، حضور پر رنگ و همه‌جا حاضر و ناظر رئیس‌جمهور بیانگر این نکته است که همه مردم وابسته به او هستند و او بر اعمال همه نظارت دارد: "مشاهده عکس رئیس‌جمهور در تمامی مکان‌ها موجب این احساس شده بود که چه آفریقایی باشیم چه نباشیم، همگی مردم او شده بودیم" (Ibid 216).

وقتی این قدرت تبلیغاتی موجب چنین احساسی در شخصیت آگاهی مثل سلیم می‌شود، تأثیر آن بر روی عامه مردم کاملاً روشن است. در یکی از صحنه‌ها، ریموند، مشاور رئیس‌جمهور، این تأثیر را بررسی می‌کند:

راستش همین هفته پیش به‌طور اتفاقی یکی از دانش‌آموزانمان را خارج از ساختمان اصلی دیدم و صرفاً محض تحریک کردنش، چند کلمه‌ای راجع به تعداد عکس‌های رئیس‌جمهور صحبت کردم. آن جوان من را به فکر انداخت... او گفت «این عکس رئیس‌جمهور است. اما اینجا، در دومین، به‌عنوان یک دانشجوی پلی‌تکنیک، آن عکس را عکس خودم در نظر می‌گیرم.» این عین کلمات است! اما این ویژگی رهبران بزرگ است—آن‌ها به نیازهای مردمانشان بسیار پیش از ایجاد آن نیازها پی می‌برند. (Naipaul 132)

همگام با القای حس همزاد‌پنداری با رئیس‌جمهور، عکس‌های او به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود تا برتری او نسبت به مردمانش و هم‌ترازی با اروپاییان را هم بیان کند. این همان نکته‌ای است که یکی از شخصیت‌های رمان به نام ضابط، مادر فردیناند، به آن اشاره دارد:

روزنامه دیروز حاوی عکسی از رئیس‌جمهور بود که مقامات دولتی را در استان جنوبی مورد خطاب قرار می‌داد. «نگاه کن سلیم. او خیلی بزرگ است. دیگران آن قدر کوچک هستند که به زحمت دیده می‌شوند. نمی‌شود گفت که چه کسی واقعاً چه کسی است.» اما ضابط در حقیقت به نکته‌ای اشاره داشت که من هرگز به آن توجه نکرده بودم: در عکس‌های روزنامه‌ها، فقط به خارجی‌های بازدیدکننده فضایی مساوی رئیس‌جمهور اختصاص داده می‌شد. در کنار مردم بومی، رئیس‌جمهور همیشه به‌صورت شخص متمایز و چشم‌گیر نشان داده می‌شد. (Naipaul 193)

علاوه بر القای حس نظارت و برتری، و القای حس همزاد‌پنداری، عکس‌های رئیس‌جمهور خواستار القای نظم در جامعه نیز می‌باشند. این خواسته، که یکی از اهداف بارز آی‌اس‌ای‌ها است، مستقیماً در یکی از این عکس‌ها مطرح می‌شود: "عکسی از رئیس‌جمهور وجود

داشت که عصای ریاستش را نشان می داد، و بالای آن روی دیوار آبی رنگ، در بالاترین نقطه ممکن، جاییکه سطح ناهموار، گرد و خاک گرفته به نظر می رسید تا کثیف، عبارت «نظم فراتر از هر چیز دیگر» نوشته شده بود" (Ibid ۱۷۵). علاوه بر تصاویر رئیس جمهور، دستاوردهای رئیس جمهور که بیانگر استقرار نظم او در جامعه است نیز محتوای تصاویر تبلیغاتی او هستند:

عکس‌های این دانشگاه دولتی و عکس‌های مشابه آن در سایر نقاط کشور در آن دسته از مجلات اروپایی که راجع به آفریقا می نویسند و توسط دولت‌هایی مثل دولت ما حمایت مالی می شوند چاپ می شدند. در این عکس‌ها پیغام دومین ساده بود. تحت رهبری رئیس جمهور جدیدمان معجزه‌های رخ داده بود: آفریقای‌ها مردمان مدرنی شده بودند که از مصالحی مانند سیمان و شیشه استفاده می کردند و روی صندلی‌های کوسن دار با کاور مخمل مصنوعی می نشستند. (Naipaul 125)

آخرین نکته‌ی مهم درباره‌ی تصاویر رئیس جمهور، تصویرسازی او در قامت آی اس ای است تا آر اس ای: "دیوارهای بیسکوییتی رنگ اتاق کنفرانس هیچ عکسی به جز عکس رئیس جمهور را نشان نمی دادند، عکسی که او را نه در یونیفرم نظامی بلکه در کلاه پوست پلنگی، ژاکت آستین کوتاه، و کراوات خالی یک رییس به تصویر کشیده بود" (Ibid 107). این همان نکته‌ای است که آلتوسر به کرات به آن اشاره دارد، یعنی جایگزینی آر اس ای توسط آی اس ای در دوره‌ی مدرن.

روش‌های ابزارهای سرکوبگر حکومتی (آر اس ای) موجود در خم رودخانه آلتوسر بر این باور است که دستگاه‌های ایدئولوژیک و سرکوبگر، نه تنها مجزا از هم نیستند، بلکه به دلیل اهداف مشترکی که دنبال می کنند: حفظ نظم جامعه و حصول منافع طبقه حاکم، در هم تنیده‌اند (Ferretter 84). در حالی که آی اس ای ها قدرت نرم را بر می گزینند، آر اس ای ها با توسل به زور به وسیله‌ی سازمان‌هایی همچون ارتش، پلیس و دادگاه، اعمال قدرت می کنند. این در هم تنیدگی در اثر ناپیال نیز مشهود است. در طول حکومت خود، "مرد بزرگ" از روش‌های آر اس ای اروپایی در اشکال هواپیما و سربازان

مزدور به‌منظور سرکوب شورشیان استفاده می‌نماید. وی در ابتدای کار، به دلیل فقدان مشروعیت در بین مردم و تصاحب قدرت به کمک اروپایی‌ها، چاره‌ای جز توسل به روش‌های آراس‌ای اروپایی ندارد. تصویری گویا از سلیم که در توصیف آن روش‌ها ارائه شده حکایت از عمق فاجعه دارد: "داستان‌های هولناکی از ماه‌ها کشتار بی‌دلیل مردم توسط سربازان، شورشی‌ها و مزدوران شنیده بودم. مردمی که به‌طرز شنیعی دست و پایشان بسته می‌شد و در خیابان‌ها به قصد کشت کتک می‌خوردند" (80 Naipaul). اما پس از به قدرت رسیدن، رئیس‌جمهور به‌واسطه تجربیات نظامی گری‌اش، گونه‌ای منظم‌تر و مخفیانه‌تر از آراس‌ای را به کار می‌گیرد: "بدین‌گونه ارتش مجزایی تشکیل شده بود. گاهی اوقات کامیون‌های پر از سرباز در خیابان‌ها به چشم می‌خورد ولی این سربازان هرگز اسلحه‌های خود را نشان نمی‌دادند" (82 Ibid). اینکه اسلحه‌های سربازان در ملاء عام قرار نمی‌گیرد، اشاره به حضور سمبلیک آن‌ها به‌عنوان حافظان امنیت دارد تا مزدورانی که قصد اعمال خشونت دارند. این حضور سمبلیک که جنبه‌ی آراس‌ای به خود گرفته است، این‌گونه از زبان یکی از شخصیت‌های رمان به نام ریموند بیان می‌شود:

او واقعاً مرد خارق‌العاده ایست. فکر می‌کنم به‌واسطه آن‌چه انجام داده آن‌گونه که باید از او قدردانی نمی‌کنیم. ارتش را منظم کرده و به این سرزمین که از مردمان مختلفی تشکیل یافته، صلح به ارمغان آورده. عبور از یک طرف کشور به طرف دیگر باز هم ممکن شده است، کاری که استعمارگران عقیده داشتند تنها آن‌ها قادر به انجامش بودند، و شگفت این‌که تمامی این‌ها بدون اعمال زور و با رضایت کامل مردم انجام شده است. پلیسی در خیابان‌ها دیده نمی‌شود. ارتشی دیده نمی‌شود. (Ibid 162)

این اظهارات به وضوح نمایانگر ترکیب موفقیت آمیز روش‌های آراس‌ای و آراس‌ای به‌کار گرفته شده به‌منظور "کسب رضایت عمومی مردم" می‌باشد. در واقع، عمل کمرنگ نمودن یا پنهان کردن آراس‌ای‌ها، به خودی خود تبدیل به نوعی آراس‌ای می‌شود که جنبه‌ی تبلیغاتی برای حکومت نیز می‌تواند داشته باشد. اما چنان‌چه حکومتی نتواند روش‌های ایدئولوژیک خود را به‌خوبی بازتولید نماید و روش ثابتی را در مواجهه با تمامی پدیده‌ها به کار گیرد، در گذر زمان کارایی خود را از دست داده و مردم به

پایه‌های صرفاً ایدئولوژیک آن پی خواهند برد (Althusser, *Reading Capital* 173). در این صورت حکومت مشروعیت خود را از دست می‌دهد و روش‌های آر اس ای صرف نیز نمی‌تواند کاری انجام دهد. در انتهای این رمان در می‌یابیم که مردم از تمامی روش‌های ایدئولوژیک رئیس‌جمهور مطلع می‌شوند و ارتش آزادی بخش کنگو را تشکیل می‌دهند و موفق به شکست نیروهای دولتی می‌شوند. این نیروهای انقلابی در مقاله‌ای تحت‌عنوان "فریاد نیاکان" اقدام به افشاگری روش‌های آی اس ای و آر اس ای حکومت پیشین می‌نمایند:

منظور ما از دشمن، قدرت‌های امپریالیستی، شرکت‌های چند ملیتی، قدرت‌های عروسکی که به سان خدایان دروغین هستند، حکومت‌های سرمایه‌داری، کشیش‌ها و معلمانی که تفاسیر غلطی ارائه می‌دهند می‌باشد. قوانین موجب ترویج جرم و جنایت می‌شوند. مدارس به اشاعه جهل و نادانی می‌پردازند و مردم جهالت را به فرهنگ راستین خود ترجیح می‌دهند. به سربازان و زمامدارانمان طمع و امیدهای واهی تزریق شده و افراد خارجی همه‌جا بدیده دزد به ما می‌نگرند. از خودمان غافل شده‌ایم و رو به بیراهه گذاشته‌ایم. (Naipaul 198)

این مقاله نشان می‌دهد که حکومت گذشته متوسل به روش‌های آی اس ای سیاسی، مذهبی، و آموزشی شده و سعی در ایجاد آگاهی کاذب در میان مردم داشته است. حکومت انقلابی جدید نیز که با شعار حفظ فرهنگ و سنن اصیل آفریقایی به قدرت رسیده، صرفاً ایدئولوژی جدیدی را جایگزین ایدئولوژی قبلی می‌کند. نطفه رژیم جدید با کشتار عوامل مجرم و بعضاً بیگانه رژیم گذشته بسته شده و طیف جدیدی از وحشی‌گری آغاز می‌شود. خدمتکار سلیم گزارش تکان دهنده‌ای از این وضع ارائه می‌دهد:

در ابتدا قصدشان این بود که فقط مقامات دولتی را بکشند اما الان ارتش آزادی بخش معتقد است که این کافی نیست. آن‌ها معتقدند آنچه را که رژیم گذشته انجام داد را این بار باید به شکل بهتری به انجام برسانند. در ابتدا تصمیم داشتند تا پس از تشکیل دادگاه، مجرمان را در میدانی شهر تیرباران کنند ولی الان مجبورند کشتار بیشتری داشته باشند و همه باید دستانشان را به خون آغشته

کنند. تصمیم دارند هر کسی که خواندن و نوشتن بلد است و هر کسی که کت و شلوار و کراوات می‌پوشد و همچنین تمامی اربابان و خدمتکاران را بکشند. وقتی کشتارهایشان تمام شود هیچ‌کس تشخیص نخواهد داد که چنین مکانی این‌جا وجود داشت. آن‌ها خواهند کشت و خواهند کشت. آن‌ها معتقدند که این تنها راه بازگشت به سرآغاز، پیش از دیر شدن، می‌باشد. (Ibid 270)

به‌نظر می‌رسد که دور باطل تغییر حکومت‌ها و مصائب ناشی از آن در این قسمت از سرزمین آفریقا تمامی نداشته باشد و هر حکومت جدیدی با تکیه بر روش‌های آی اس ای و آر اس ای، رویای رسیدن به قدرت را عملی کند و تا وقتی که مردم به آگاهی نرسیده‌اند، تحقق این رویا بسیار آسان به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

ایدئولوژی بخش جدایی ناپذیر هر حکومتی را تشکیل می‌دهد، اما برخی از آن‌ها، مشابه حکومت "مرد بزرگ"، از آن استفاده‌ی ابزاری صرف، در راستای حفظ قدرت و ثروت‌شان می‌کنند. با نگاهی اجمالی به رمان خم رودخانه در می‌یابیم که در مدت زمان نسبتاً کوتاهی سه‌گونه حکومت مختلف استعماری، حکومت شبه مدرن "مرد بزرگ" و نهایتاً حکومت انقلابی ارتش آزادی بخش، با سه تفکر ایدئولوژیک متفاوت، قدرت را دست به دست می‌کنند. تأکید اصلی این رمان به دوره‌ی زمامداری "مرد بزرگ" و عمده روش‌های او برای نهادینه کردن سیستم ایدئولوژیک خود محدود می‌شود. او به خوبی به این مسئله واقف است که با صرف اعمال زور و خشونت نمی‌توان کاری را پیش برد، بدین جهت روی به روش‌های غیر مستقیم ایدئولوژیک به‌منظور کسب مشروعیت و جلب رضایت عمومی می‌آورد. از جمله این اقدامات می‌توان به پروژه‌هایی چون "ملی‌گرایی" و "افراطی‌گرایی" که در نتیجه آن‌ها اموال شهروندانی که از نسل مهاجرین هستند مصادره و به بومیان کنگو واگذار می‌شود، اشاره نمود. در نتیجه اجرای موفقیت‌آمیز این پروژه، بین قبایل مختلف اختلاف و تفرقه افتاده و از قدرت یافتن آن‌ها در مقابل دولت مرکزی ممانعت به عمل می‌آید. از سوی دیگر، حکومت اقدام به تاسیس نوع خاصی از مدرسه و دانشگاه می‌کند، نظامی شبه مدرن آموزشی بر اساس الگوهای تمام اروپایی به‌منظور تربیت روشنفکران مطیع و غرب زده که فاقد خلاقیت و قدرت تحلیل می‌باشند. طبیعتاً

حکومت بر چنین نسلی که هم طبقه عوام و هم قشر روشنفکر آن از شرایط خود ابراز رضایت دارند بسیار آسان‌تر است تا نسل افراد آگاه و تحلیل‌گری مثل سلیم. با تمامی این اوصاف، هر جا که نیازی احساس شود، رئیس‌جمهور از توسل به زور و روش‌های آراس‌ای چون زندان، پلیس، ارتش و سربازان مزدور اروپایی ابایی ندارد ولی تا آنجا که امکان دارد از این روش‌ها به‌طور مخفیانه استفاده می‌کند تا تصویر خود را در ذهن مردمانش مخدوش نکند. اما اشتباهی که این دیکتاتور مرتکب می‌شود این است که نمی‌تواند به باز تولید ایدئولوژی خود بپردازد و نقاط ضعف آن را مطابق نیازهای جامعه بر طرف نماید، اصلی که آلتوسر تأکید فراوانی بر روی آن دارد. سرانجام این روش کارایی خود را به مرور زمان از دست می‌دهد و نیروهای انقلابی ارتش آزادی بخش با ایدئولوژی ضد مدرن خود تمامی دستاوردهای رژیم قبلی را از بین می‌برند.

The Reflection of Ideological and Anti-ideological Discourses in V.S. Naipaul's *A Bend in the River*

Hoda Shabrang¹

Abstract

Introduction: The key terms "hegemony" and "counter-hegemony" were first suggested by Antonio Gramsci to describe the soft power in the hands of the ruling system. In Gramsci's definition, hegemony is related to those discourses in which the ruling system's values are included and attempted to gain the consent of people soft way. In contrast, counter-hegemony means those opposing discourses that stand against the hegemonic discourses and expresses the ideals of the people outside power. While Naipaul's *A Bend in the River* reflects the dominant hegemony in the colonial and postcolonial eras, it is at the same time concerned with exposing the ruling values and producing counter-hegemony.

1. Assistant Professor of English Language and Literature, Department of English Language, Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran. Email: h.shabrang@khatam.ac.ir

Background of the Study: Althusser was in search of the ideologies that help Capitalism live through human souls, and be dominant and omniscient in the citizens of his hometown. With the benefit of the constructive system of thought of Claude Lévi-Strauss and Jacques Lacan psychoanalysis and their combination with traditional Marxism, Althusser was demanding an analysis of different ideologies that elegantly framed the thoughts and ideologies of "society", satisfied them, and at the same time, they are reproducing themselves in the same system. Althusser always had two main questions in his mind, which framed his Marxist thoughts: first, how a society with reproducing its connections and relationships reproduces itself, and becomes stable over time; second, what makes the society ready for a social revolution.

Methodology: Althusser mentions two major mechanisms for ensuring that people within a state behave according to the rules of that state: Ideological State Apparatuses (ISA) and Repressive State Apparatuses (RSA). ISAs are institutions Which generate ideologies that individuals (and groups) then internalize, and act accordingly. These ISAs include schools, religions, families, legal systems, politics, arts, and sports – organizations that generate systems of ideas and values, which we as individuals believe. Another is what Althusser calls the RSAs that can enforce behavior directly, such as the police and the criminal justice system. Although the ISAs appear to be quite disparate, they are unified by subscribing to a common ideology in the service of the ruling class; indeed, the ruling class must maintain a degree of control over the ISAs to ensure the stability of the RSAs.

Conclusion: The main focus of the selected novel is confined to the reign of the "Big Man" and most of his methods for institutionalizing his ideological system with the help of ISAs. He is well aware that using force and violence alone cannot be done, so he resorted to indirect ideological meth-

ods to gain legitimacy and gain public satisfaction. These include projects such as "nationalism" and "extremism" whereby the property of citizens of the descendants of the Congo is confiscated. The government also launches a special kind of school and university, a quasi-modern educational system based on all-European models to train obedient and westernized young intellectuals who lack the creativity and power of analysis. In all of this, the President does not resort to force and RSA feeds such as prisons, police, army, and European mercenary troops, wherever necessary, but secretly uses them as far as necessary. So as not to tarnish his image in the minds of his people. But the mistake that this coup dictator is making is that he cannot reproduce his ideology and address its weaknesses according to the needs of society, a principle that Althusser emphasizes. As a result, this method loses its effectiveness over time, and the revolutionary forces of the Liberation Army with their anti-modern ideology destroy all the gains of the former regime.

Keywords: Hegemony, Counter-hegemony, Ideological, Anti-ideological, Ideological State Apparatuses (ISA), Repressive State Apparatuses (RSA), Naipaul

References

- Althusser, Louis. *Essays on Ideology*. London: Verso, 1984.
- ---. *For Marx*, Translated by Ben Brewster, UK: Verso Press, 2006.
- ---. "Ideology and Ideological State Apparatuses". Julie Rivkin and Michael Ryan. *Modern Theory: An Anthology*. New York: Blackwell, pp. 693–702, 2003.
- ---. *Lenin and Philosophy, and Other Essays*. New York: Monthly Review Press, 2001.
- Althusser, Louis and Etienne Balibar, et al., *Reading Capital*, UK: Verso Press, 2016.
- Benewick, R. and Philip Green, editors. *The Routledge Dictionary of Twentieth-*

- century Political Thinkers. London: Routledge. 1992.
- Campbell, Elaine. "A Refinement of Rage: V. S. Naipaul's A Bend in the River," *World Literature Written in English*. XVIII, pp. 394-406, Nov 1979.
 - Cudjoe, Selwyn Reginald. *VS Naipaul: A Materialist Reading*. Massachusetts University Press, 1988.
 - Dooley, Gillian. *VS Naipaul, Man and Writer*. South Carolina University Press, 2006.
 - Eid, H. "Naipaul's A Bend in the River and Neo-colonialism as a Comparative Context", *CLCWeb: Comparative Literature and Culture* Vol. 2, No. 3, 2000. <http://dx.doi.org/10.7771/1481-4374.1080>.
 - Ferretter, Luke. *Louis Althusser*. London: Routledge. 2006.
 - Gupta, Suman, *V.S. NaiPaul*, UK: Liverpool University Press. 1999.
 - Hayward, Helen. *The Enigma of V.S. Naipaul: Sources and Contexts*. Palgrave Macmillan, 2002.
 - King, Bruce. *V. S. Naipaul*. Basingstoke, England: Macmillan, 1993.
 - Leitch, Vincent. et al., editors, *The Norton Anthology of Theory and Criticism*. 2nd Edition. New York: Norton. 2010.
 - Mukherjee, Meenakshi. "The House and the Road: Two Modes of Autobiographical Fiction", *The Journal of Caribbean Literatures: JCLs; Conway* Vol. 5, No. 2, pp. 61-74. Spring 2008. Naipaul, V. S. *A Bend in the River*. New York: Knopf. 1979.
 - Nixon, Rob. *London Calling: V. S. Naipaul, Postcolonial Mandarin*. New York: Oxford University Press, 1992.
 - Sadati, Seyed Shahabeddin, and Alireza Jafari, "Ideology and Interpellation of Black Americans' Community in Amiri Baraka's "In Memory of Radio": Althusserian Reading", *Critical Language & Literary Studies*, Vol 14, No. 19 pp. 187-208, Autumn/Winter 2017.
 - Therox, Paul. "Memories of V. S. Naipaul". *The New Yorker*. 2018.
 - <https://www.newyorker.com/culture/personal-history/memories-of-v-s-naipaul>

- Thieme, John. "Searching for a Centre: The Writing of V. S. Naipaul." *Third World Quarterly*, Vol. 9, No. 4, 1987, pp. 1352–65. JSTOR. <http://www.jstor.org/stable/3991661>. Accessed 13 Jun. 2022.
- Thomas, Sue, "V.S. Naipaul". *West Indian intellectuals in Britain*. Edited by Bill Schwarz, Manchester University Press. pp. 228- 247. 2018. <https://www.manchesteropenhive.com/view/9781526137968/9781526137968.00017.xml?chapterBody=pdf>
- Yamout, Tayebbeh. "Migration Threshold in Naipaul's Imagination". *Migratin in Literature and Art*. Edited by Shideh Ahmadzadeh Heravi, Sokhan Publication, Tehran, Iran, pp. 155- 169, 2012.
- Zare'ie, Mohamad Sadegh and Shideh Ahmadzadeh Heravi, "The Role of Ideology and Trace in V.S. Naipauls's Narratives of A House for Mr. Biswas and In a Free Stae", *Critical Language & Literary Studies*, Vol 16, No. 22, pp. 59-76. Spring/Summer 2019.